

مروری بر علل و پیامدهای فرار از منزل در دختران

معصومه شکیبایی^۱، فاطمه هدایتی^۲، مریم عدلی^۳، فرود غلامی^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد لاهیجان (نویسنده مسئول).

^۲ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان.

^۳ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان.

^۴ دانشجوی دکتری مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان.

چکیده

هدف اصلی این تحقیق، جمع آوری و بررسی تحقیقاتی در زمینه علل و پیامدهای فرار از منزل در دختران می باشد که به صورت پراکنده در سالهای اخیر در کشور به مرحله اجرا در آمده است. روش پژوهش، کتابخانه ای بوده و برای انجام آن چندین تحقیق در زمینه های روانشناختی و جامعه شناختی با موضوعات مرتبط جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بررسی های انجام شده نشان داد این حوزه نیازمند مطالعه و بررسی هرچه بیشتر می باشد. یافته های حاصل از پژوهش ها اهمیت و آسیب های ناشی از فرار از منزل را نشان می دهد که با توجه به جایگاه کودکان و نوجوانان در شکل گیری آینده کشور به عنوان منابع انسانی توجه کافی صورت نپذیرفته است و خانواده ها با استفاده از سبک فرزندپروری غلط زمینه را برای فرار کودکان مهیا می کنند.

واژه‌های کلیدی: علل فرار از منزل، پیامدهای فرار از منزل و دختران فراری.

مقدمه

امروزه فرار و بی خانمانی نوجوانان و جوانان یکی از مسائل بسیار مهم اجتماعی-بهداشتی و نیازمند توجه جدی است. (آندرس لمی و همکاران، ۲۰۰۵ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳؛ صابری و همکاران، ۲۰۱۰ به نقل از چاکری و همکاران ۱۳۹۳) فرار از خانه، از جمله رفتارهای ناسازگارانه ای است که از کودکان و نوجوانان سر می زند و امروزه به یکی از معضلات و نگرانی های خانواده ها تبدیل شده است. (دنی، ۱۹۹۰ به نقل از مسعودنیا و همکار، ۱۳۹۳) به عبارتی فرار، رفتاری سازش نایافته است که در آن، کودک یا نوجوان برای رهایی از مشکلات موجود در خانه یا به دلیل جاذبه ها بیرون از خانه، بدون اجازه والدین یا سرپرست قانونی خود، آگاهانه خانه را ترک می کند و سریع و بی واسطه به خانه بر نمی گردد (دمن، ۲۰۰۰ به نقل از مسعودنیا، ۱۳۹۴ آندرس لمی و همکاران، ۲۰۰۵ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳؛ صابری و همکاران، ۲۰۱۰ به نقل از چاکری و همکاران ۱۳۹۳) فرار از نوجوان از خانه، یک مشکل و معضل حاد و عمومی مبتلا به نهاد خانواده نیست، ولی نمود آشکاری از وجود مساله ای عمیق تر و پیچیده تر به نام مساله ی ارتباط نوجوان با والدین است. نوجوان گاه برای رهایی از رنج و ناراحتی، گاه برای مقابله با تنبیه والدین و گاه به دلیل احساس بی پناهی و عدم امنیت به چنین اقدامی دست می زند. (کاوایلا، ۲۰۰۱ به نقل از مسعودنیا، ۱۳۹۴)

به طور کلی براساس نتایج بررسی ها، میزان شیوع فرار از خانه در بین دختران بیش تر از پسران مشاهده می شود (کورتنی و کوکو، ۱۹۹۸؛ یاتس، ۱۹۹۱ به نقل از مسعودنیا، ۱۳۹۴) افزایش فزاینده ی فرار از خانه در بین دختران در سال های اخیر و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی آن، توجه متخصصان، سیاست گذاران و جمعیت عمومی را به این پدیده معطوف ساخته است. (فینکلرهور، ۱۹۹۲؛ کورتنی و کوکو، ۱۹۹۸؛ وایت بک، ۲۰۰۴؛ ساباتلی، ۱۹۹۳ به نقل از مسعودنیا، ۱۳۹۴) فرار دختران از خانه اگرچه در نگاه اول پدیده ای فردی است، اما با توجه به پیامدهای سوء آن که در نظم اجتماعی اختلال و آشفتگی ایجاد می کند (جعفری و همکار، ۱۳۹۳)، منشاء بسیاری از رفتارهای ضداجتماعی و انحرافی مانند خودفروشی، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، توزیع مواد مخدر، تشکیل باندهای فساد و فریب سایر زنان و دختران، رواج روسپیگری و شیوع انواع بیماری های مقاربتی و ... می شود و نه تنها آنان را در معرض آسیب های جدی روانی و جسمی قرار می دهد (هاشمی، ۱۳۸۹)

نوجوانان به دلیل دوره ی خاص رشد خود با رویدادهای انتقالی بسیاری از نظر بیولوژیکی، تحصیلی و اجتماعی رو به رو می شوند. آنان می بایست راه حل هایی برای حل مشکلات و مقابله با آنها بیابند. تغییرات عمیق و تحولات سریع دوران نوجوانی از یک طرف و بحران های اجتماعی و کاهش شبکه ی ارتباطی خانوادگی و اجتماعی از سویی، زمینه ساز بروز تنیدگی های زیادی در نوجوانان می شود. در این میان مشکلات خانوادگی و ارتباط با همسالان، انتقاد معلمان، مشکلات تحصیلی و ... برای دختران بیشتر از پسران استرس ایجاد می کند. (بازیاری و همکاران، ۱۳۸۲ به نقل از آقا محمدی و همکاران، ۱۳۹۰) دختران فراری عمدتاً در مؤلفه ی هوش هیجانی و برقراری ارتباطات اجتماعی مناسب ضعیف هستند. (آقا محمدی و همکاران، ۱۳۹۰)

شواهد نشان می دهد که این نوجوانان به دنبال آزادی بدون قید و شرط و یافتن دوستان هم‌تای خود هستند. در واقع مشکلاتی مثل خشونت والدین، جدایی و طلاق، عدم ارتباط اعضا، رقابت با خواهر، برادرها و عدم توجه ی خانواده اغلب منجر به ترک خانه می شود. دخترانی که از خانه گریخته اند اغلب دچار انزوای اجتماعی و یا درگیر روابط رمانتیک با پسران می شوند. (کونگل، ۲۰۰۹ به نقل از آقا محمدی و همکاران، ۱۳۹۰) همچنین پژوهش ها نشان می دهد که داشتن روابط با جنس مخالف در نوجوانی باعث دوری از خانواده (راماگریشنا و همکاران و همکاران، ۲۰۰۶ به نقل از آقا محمدی و همکاران، ۱۳۹۰)، ایجاد مشکلات خانوادگی (استینبرگ و همکار، ۲۰۰۱ به نقل از آقا محمدی و همکاران، ۱۳۹۰) آسیب به خانواده و گسستن ارتباط با آنها (طایفی، ۱۳۸۵ به نقل از آقا محمدی و همکاران، ۱۳۹۰)، ایجاد مشکلات فردی، اجتماعی و ارتباط صمیمی کمتر با مادر (شیخ دارانی و همکاران، ۱۳۸۷ به نقل از آقا محمدی و همکاران، ۱۳۹۰) می گردد.

فرایندهای کنترل و ابراز هیجان نقش اساسی در سلامت روانشناختی افراد ایفا می کنند و یکی از عوامل زمینه ساز آسیب شناسی روانی و بیماریهای جسمانی مطرح می باشند. (جعفری و همکار، ۱۳۹۳) سالانه بیش از یک میلیون نوجوان از خانه های خود فرار می کنند که از این تعداد ۴۷ درصد دختر هستند. (آندرسن می و همکاران، ۲۰۰۵ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳)

افزایش فزاینده پدیده فرار خانه در بین دختران در سالهای اخیر و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی آن توجه متخصصان، سیاست گذاران و جمعیت عمومی را به این پدیده معطوف ساخته است. به طوری که بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت، سالانه بیش از یک میلیون نوجوان ۱۸-۱۲ ساله از خانه فرار می کنند که از این تعداد ۷۴ درصد دختر و ۲۶ درصد پسر هستند (ادلیبروک، ۱۹۸۰، به نقل از دی مان، ۲۰۰۰؛ کوکو و کوآرتنی، ۱۹۹۸، فین کلهر، ۱۹۹۲، کرسی و ساباتلی، ۱۹۹۳؛ ویت بک، ۲۰۰۴ به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹؛ دمان، ۲۰۰۰ به نقل از مسعودنیا، ۱۳۹۴) برآورد ها محافظه کارانه نشان می دهد سالانه حدود دو درصد نوجوانان ۱۸-۱۲ ساله از خانه فرار می کنند (دمان، ۲۰۰۰ به نقل از چاکری و همکاران، ۱۳۹۳) شمار این قبیل نوجوانان در سراسر جهان بیش از ۱۰۰ میلیون نفر و تنها در کشور آمریکا سالانه ۱۳۰۰۰۰۰ نفر برآورد شده است. (برزگر، ۲۰۰۴ به نقل از چاکری و همکاران، ۱۳۹۳)

در ایران نیز چند سالی است که مساله ی فرار از دختران، جنبه فوق العاده ای پیدا کرده و آمار آنان به طرز نگران کننده ای در حال افزایش است و این ممکن است نشان گر وجود اختلال در کارکرد نهاد خانواده و یا سایر نهادهای جامعه باشد (میرزائی، ۲۰۰۵ به نقل از مسعودنیا، ۱۳۹۴) اکنون چند سالی است که مسئله فرار دختران از خانه، جنبه فوق العاده ای پیدا کرده و آمار آنان به طرز نگران کننده ای در حال افزایش است و این ممکن است نشان گر وجود اختلال در کارکرد نهاد خانواده و یا سایر نهادهای جامعه باشد. بر اساس اعلام روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور، آمار دختران فراری هر سال ۱۵ درصد افزایش می یابد و بسیاری از دخترانی که به مراکز بهزیستی سپرده می شوند، از سوی نیروی انتظامی معرفی شده و تعداد کمی از آن ها نیز خود معرف هستند. همچنین بیش تر این دختران در سنین ۱۸-۱۴ سال هستند. بر اساس برخی از یافته های کارشناسان ۶۰ درصد و در برخی دیگر ۸۰ درصد دختران فراری در صورتی که توسط نیروی انتظامی و یا گشت سیار بهزیستی جمع آوری نشوند، به زنان خیابانی آینده تبدیل خواهند شد و متعاقب آن بسیاری از بیماری های مقاربتی مانند ایدز و ... به همراه آسیب های اجتماعی دیگر، دامن گیر جامعه خواهد بود (میرزایی، ۱۳۸۳ به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹)

برای فرار علل درون فردی و میان فردی متعددی تصور میشود. طبق نظر شارلین و موربارک (۱۹۹۲) انگیزه های دختران فراری را می توان به طور کلی در دو عنوان «فرار از» و «فرار به» خلاصه کرد. «فرار از» شامل دخترانی می شود که تعارضات میان فردی و مشکلات خانوادگی را در خانه تجربه می کنند و فاقد مهارتهای لازم برای رویارویی و حل این مسایل هستند. آنها معمولاً خشم شدیدی را نسبت به یک یا بیشتر اعضای خانواده خود احساس می کنند و قادر به برخورد صحیح با این هیجان نیستند. این دختران فرار می کنند چون به حد نهایی توانایی خود برای تحمل شرایط خانه رسیده اند. دختران گروه «فرار به» به سوی افراد یا مکانهایی فرار می کنند که امکان انجام فعالیتهای ممنوع شده در خانه را (مانند سوء مصرف مواد و روابط جنسی) برای آنها فراهم می کنند. فرار به هر دلیلی که باشد، زمینه را برای انواع رفتارهای پرخطر مانند اعتیاد و سوء مصرف (تامپسون و همکاران، ۲۰۰۳ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳)، ترک مدرسه (ویتیک و جانسن، ۲۰۰۶ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳)، آزار جنسی (سالیوان و ناتسون، ۲۰۰۰؛ تایلر و کاوس، ۲۰۰۴؛ تایلر و همکاران، ۲۰۰۴؛ ساویس و ادنبرگ، ۲۰۱۰ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳)، بارداری ناخواسته و سقط جنین (روزنتال و همکاران، ۲۰۰۶؛ ساویس و ادنبرگ، ۲۰۱۰ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳)، خشونت و پرخاش (ریبریو، ۲۰۰۸ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳) و اقدام به خودکشی (فارو و همکاران، ۱۹۹۲ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳) فراهم می سازد. نمرات دختران فراری در مشکلات میان فردی و اضطراب نیز بالاتر از دختران غیر فراری گزارش شده است (احدی و لطفی، ۱۳۸۲ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳) به اعتقاد برخی پژوهشگران مانند هاسکت و همکاران (2012) و حسینی و جمشیدی (۱۳۹۳)، اغلب نوجوانان وقتی که تحت تنیدگی زیاد قرار می گیرند، احساس فقدان مهارتها و تدابیر مشخص برای

بیان هیجانها و مقابله با استرسها را دارند؛ در نتیجه ارتباط سازنده با دیگر اعضای خانواده برای حل چالشها ضعیف می شود و بنابراین در مواجهه با دشواریها از راهبرد فرار از خانه استفاده می کنند. بررسیها نشان داده اند که توانمند بودن افراد از نظر هیجانی، روبه رو شدن آنها را با چالشهای زندگی آسان می کند (کینگ و امونز، ۱۹۹۰؛ هاسکت و همکاران، ۲۰۱۲ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳)

به اعتقاد ادلین و همکاران (۲۰۰۰) سلامت روان شامل چند بعد است که یکی از آنها سلامت هیجانی است. سلامت هیجانی به درک هیجانها و مقابله با مسائلی که از زندگی روزمره نشأت گرفته، نیاز دارد. یک فرد دارای سلامت هیجانی قادر است احساسات خود را تشخیص دهد و به سبک مناسب آنها را ابراز نماید، برای روبرو شدن با نیازهای هیجانیاش تلاش کند و مسئول رفتارش باشد. (جعفری و همکار، ۱۳۹۳) بعضی افراد هیجانهایشان را آزادانه و ظاهراً بدون نگرانی از پیامدهای آن ابراز می کنند ولی برخی دیگر در انتقال حالت‌های هیجانی خود محافظه کار هستند (امونز و کلبی، ۱۹۹۵ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳) روند رو به افزایش تعداد دختران فراری و خطرات متعددی که این گروه را تهدید می کند، اهمیت تلاش برای فهم فرآیندهای درگیر در این پدیده را افزون می سازد. با توجه به کاهش سن فرار از خانه در ایران (صابری و همکاران، ۱۳۸۹؛ توبایی و همکاران، ۲۰۱۲ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳) شناسایی هر چه بیشتر عوامل زمینه ساز فرار و نیز تفاوت‌های فردی این گروه با دیگران ضروری است. (جعفری و همکار، ۱۳۹۳)

تقریباً چند دهه پیش، ویلسون و هرنتاین اشاره کردند که عدم آگاهی ما از عوامل جرم، بدلیل کمبود مطالعات نظام دار در ارتباط بین مذهبی بودن و جرم است. دونلسون (۱۹۹۹) بیان کرده است که یک محدودیت مهم استراتژی پهای مداخله ای حاضر برای کاهش اینگونه رفتارهای انحرافی، غفلت از عوامل مذهبی است. پایبندی به مذهب، به عنوان یک اصل اجتماعی عمده در سراسر جهان، دارای ارزش، عاملی حمایت کننده و دارای ارتباطی مهم با زندگی مردم است. ارزشها و باورهای مذهبی هردو، تأثیر ماندگار و مستقیمی بر رفتار مردم می گذارد. از آنجائیکه به نظر می رسد دین تأثیر بسیار قابل توجهی در بسیاری از جنبه های زندگی افراد دارد (علیوردی نیا و همکار، ۱۳۹۴) بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که دین بی ارتباط با بزهکاری نیست. هیرشی و استارک به طور خاص، در فرضیه های آتش دوزخ و بزهکاری که اظهار می کرد مذهب اثر چندانی بر بزهکاری ندارد، دریافتند که اثر مذهب به عنوان یک امر مسلم برای یک مدت طولانی قابل توجه است؛ قدرت تأثیرگذاری یک عامل مذهبی نامشخص است و بسته به انواع مختلف جرم، زمینه های مذهبی و زمینه های اجتماعی متفاوت می باشد. (علیوردی نیا و همکار، ۱۳۹۴)

گمان می رود که در ایران محیط اجتماعی فرهنگی به گونه ای است که کنترل اجتماعی نسبتاً مناسبی توسط دین بر نوجوانان اعمال می شود. (علیوردی نیا و همکار، ۱۳۹۴) بهر و ماقان (۱۹۹۳)، نشان دادند که پس از کنترل عوامل خانوادگی، دین در ارتکاب، مواردی چون تجاوز، سرقت، خرابکاری، فرار و استفاده از مواد، پس از کنترل عوامل مرتبط با نظریه های کنترل اجتماعی و برانگیختگی چندان معنی دار نبوده است، اما اثر بازدارندگی دین در بزهکاری برای استفاده از الکل، توتون و تنباکو معنی دار باقی مانده است. (علیوردی نیا و همکار، ۱۳۹۴) جانگ و جانسون (۲۰۰۱)، مفروض داشتند که مذهب می تواند اثر محلات ناامن را در سوءمصرف مواد در میان نوجوانان کاهش دهد. تحقیق آنها نشان داد که دینداری به عنوان یک عامل حمایتی برای نوجوانانی است که در محلات ناامن زندگی می کنند. (علیوردی نیا و همکار، ۱۳۹۴) شکاف موجود در بدنه دانشهای مربوط به مذهب و بزهکاری تا حدودی برجسته بوده است و تلاشهای پی در پی برای غلبه بر محدودیتهای مطالعات پیشین انجام گرفته است. (علیوردی نیا و همکار، ۱۳۹۴)

دختران فراری به خاطر شرایط خاص خود مورد انواع سو استفاده ها قرار می گیرند و وارد چرخه زندگی خیابانی می شوند و خطرات زیادی آنان را تهدید می کند؛ در نتیجه زمینه برای پیدایش و افزایش باندهای جنایتکاری که این دختران را مورد استثمار و بهره کشی قرار می دهند فراهم می گردد. این پدیده سبب می شود که سطح جرم و جنایت در جامعه افزایش یابد و امنیت و سلامت اجتماعی به مخاطره افتد. از طرفی، نوجوانان سرمایه های ملی هر جامعه ای هستند که در صورت به هدر

رفتن این سرمایه ی عظیم، خساراتی جبران ناپذیر بر پیکر جامعه وارد می شود (آپرست، ۱۹۹۹؛ ردلند، ۲۰۰۱؛ پاتل و گریدنوس، ۱۹۹۹ به نقل از مسعودنیا، ۱۳۹۴)

بزرگ ترین نگرانی درباره ی نوجوانان و جوانان فراری، خطر افزایش عفونت ایدز است که دلیل آن شیوع بالای مصرف مواد تریقی، رفتارهای پرخطر جنسی در نوجوانان و جوانان فراری و خیابانی است. (گرین، ۱۹۹۹ به نقل از مسعودنیا، ۱۳۹۴) این نوجوانان اغلب فعالیت های جنسی را برای کسب غذا، پناهگاه یا امنیت انجام می دهند. (فارو، ۱۹۹۲ به نقل از مسعودنیا، ۱۳۹۴)

به اعتقاد اکثر روانشناسان و جامعه شناسان، ریشه ی اصلی آسیب های اجتماعی در خانواده است، زیرا خانواده به عنوان کوچک ترین اجتماع بشری است که عناصر آن به شدت به هم وابسته اند و اگر در این سیستم مشکلی ایجاد شود، در کل سیستم دگرگونی ایجاد می شود. بنابراین همیشه سازگاری و تفاهم بین اعضا برای کارکرد بهتر حل مساله ضروری است. (مسعودنیا، ۱۳۹۴)

فرار از خانه به جای آن که به دریافت حمایت و مامن منجر شود، نوجوان را در معرض خطرها و آسیب های اجتماعی متعدد چون تن فروشی، اعتیاد، خودکشی و بهره کشی ها مختلف قرار می دهد (اردلان و همکاران، ۲۰۰۹؛ دوال و وینسنت، ۲۰۰۹؛ بهرامی و همکاران، ۲۰۰۹؛ ویت بک و همکاران، ۲۰۰۰ به نقل از چاکری و همکاران، ۱۳۹۳) آنها برای رهایی از این وضعیت به سایر آسیب های اجتماعی از قبیل اعتیاد به الکل و مواد مخدر و خودکشی پناه می برند، بنابراین در چنین وضعیتی نوجوانان فراری در معرض خطر ابتلا به اختلال های رفتاری و سایر مشکلات طبی و بهداشتی هستند (اردلان و همکاران، ۲۰۰۹؛ دوال و وینسنت، ۲۰۰۹؛ بهرامی و همکاران، ۲۰۰۹؛ ویت بک و همکاران، ۲۰۰۰ به نقل از چاکری و همکاران، ۱۳۹۳) همچنین سوق یافتن این افراد به خرده فرهنگ فرار، پدیده دیگری است که به علت نبود یک سیستم حمایت اجتماعی کارآمد، به شکل گیری گروهی حاشیه نشین منجر می شود و ابعاد آسیب زا آن، دامن گیر سایر گروه ها اجتماعی نیز خواهد شد (اردلان و همکاران، ۲۰۰۹ به نقل از چاکری و همکاران، ۱۳۹۳)

به نظر می رسد دل بستگی در پدیده فرار نقش مهمی داشته باشد. سبک دل بستگی عبارت است از برقراری پیوند عاطفی عمیق شخص با افراد خاصی در زندگی، به طوری که باعث می شود در تعامل با آنها احساس نشاط و شغف کرده، به هنگام استرس، از بودن در کنار آنها، احساس آرامش کند. سه سبک دل بستگی عمده وجود دارد: دل بستگی ایمن، دل بستگی نا ایمن - اجتنابی و دل بستگی نا ایمن - دوسوگرا. (سید محمدی، ۲۰۰۷ به نقل از چاکری و همکاران، ۱۳۹۳)

حاکمی از آن است که دختران فراری در دل بستگی با افراد مهم زندگی مشکلاتی دارند (استین و همکاران، ۲۰۰۹؛ حمیدی، ۲۰۰۶ به نقل از چاکری و همکاران، ۱۳۹۳)

پیامدهای فرار دختران شامل پیچیده تر شدن روابط اجتماعی، صنعتی شدن کشورها، سست شدن روابط عاطفی حاکم بر خانواده، شکاف بین نسلی، بیکاری، فقر، مهاجرت بیرویه به شهرهای بزرگ و کلان شهرها، افزایش حاشیه نشینی و ... زمینه مناسبی برای گسترش آسیب های اجتماعی فراهم آورده است. رفتارهای ضد اجتماعی و انحرافی مانند خودفروشی، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، توزیع مواد مخدر، تشکیل باندهای فساد و فریب سایر زنان و دختران، رواج روسپیگری و شیوع انواع بیماری های مقاربتی و ... می شود. دختران فراری به خاطر شرایط خاص خود مورد انواع سوء استفاده ها و آزارها قرار می گیرند و در نتیجه، زمینه را برای پیدایش و افزایش باندهای جنایت کاری که این دختران را مورد استثمار و بهره کشی قرار می دهند فراهم می سازد. به عبارت دیگر، پدیده دختران فراری که خود معلول عوامل متعددی است، می تواند عامل بسیاری از آسیب های اجتماعی دیگر شود. از طرفی نوجوانان و جوانان سرمایه های ملی و انسانی هر جامعه ای هستند که در صورت هرز رفتن و فاسد شدن این

سرمایه عظیم خسارات و آسیب های جبران ناپذیری به پیکر جامعه و نظام اجتماعی وارد می شود. (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹) هنگامی که دختری به هر دلیلی (منطقی یا غیرمنطقی) از خانه فرار می کند، خود و خانواده و جامعه پیرامونش را تا

شعاعی وسیع به طرق مختلف در معرض آسیب ها و خطرات گوناگون قرار می دهد. (جوادی یگانه، ۱۳۸۴ به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹)

فرار از منزل شامل پیامدهای فردی نیز برای دختران می باشد؛ دختران فراری برای امرار معاش به سرقت، تکدی گری، توزیع مواد مخدر، مشروبات الکلی و کالاهای غیر مجاز، روسپیگری، عضویت در باندهای مخوف و کثیف اغفال و فحشا اقدام می کنند (محبی، ۱۳۸۱؛ اردلان و همکاران، ۱۳۸۸؛ جوادی یگانه، ۱۳۸۴ به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹) برخی از این دختران پس از فرار در ساختمان های متروکه، پارک و خانه های فساد و... شب را به صبح می رسانند و از مکانی به مکان دیگر در حرکت هستند فقط برای آن که بتوانند زنده بمانند. شکارچیان با اغفال این دختران که اغلب شهرستانی، ساده و بی آرایش هستند و از اوضاع و احوال شهرهای بزرگ خبر ندارند، اموالشان را به سرقت می برند و پس از تجاوز به عنف، یا آن ها را رها می کنند یا پس از شکنجه و آزار به دلیل ناشناخته بودن و غربت، می کشند. برخی از باندهای فحشا نیز اقدام به انتقال دختران فراری به کشورهای دیگر، تجارت سکس و فروش اجزای بدن آن ها می کنند. دختران فراری پل های پشت سر خود را خراب و ویران می کنند. ارتکاب آنان به جرایم و فساد اخلاقی موجب می شود که دچار انواع بیماری ها و اختلالات روحی و روانی شوند و برخی از آن ها به دلیل سرافکنندگی ناشی از تجاوزات دست به خودکشی می زنند. (معمدی، ۱۳۸۲ به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹)

نتایج یک تحقیق ملی در امریکا (فرو و دیگران، ۱۹۹۲ به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹) نشان می دهد که ۱۱٪ کل فراری ها مبتلا به افسردگی همراه با سوء مصرف الکل و ۸۵٪ مبتلاً به افسردگی بوده اند و ۲۰٪ آن ها تا به حال اقدام به خودکشی کرده اند. به علاوه اکثر این افراد رفتارهای ضد اجتماعی و جرایم زیادی از جمله دزدی، زنا، توزیع مواد مخدر، ضرب و شتم و... مرتکب شده اند. ۶۶٪ آن ها مشروبات الکلی، ۶۹٪ ماری جوانا، ۲۱٪ آمفتامین و ۱۵٪ کوکائین مصرف می کنند.

بیش تر دختران فراری، حداکثر دو روز بعد از تاریخ فرار، مورد تجاوز و سوءاستفاده جنسی قرار می گیرند (اردلان و همکاران، ۱۳۸۱ به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹) علاوه بر این، بخش قابل توجهی از آنان نیز به اعتیاد کشانده شده اند (فارست و دیگران، ۱۹۹۴ و پارسا بیگدلی، ۱۳۸۴ به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹)

پیامدهای خانوادگی فرار دختران می تواند بزرگ ترین لطمه و ضربه برای حیثیت و شرافت خانوادگی فرد باشد (معظمی، ۱۳۸۲؛ جوادی یگانه ۱۳۸۴؛ محبی، ۱۳۸۱ به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹) این عمل اولاً، نشانه ای از ناکارآمدی خانواده در تربیت فرزند، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان و اختلاف خانوادگی است (جشان، ۱۳۸۱؛ کرم خانی، ۱۳۸۴؛ برزگر ۱۳۸۲ به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹) و ثانیاً، از آن جا که فرجام و سرانجام فرار دختران در اکثر موارد چنان چه ذکر گردید، گرفتار آمدن در دایره تنگ باندهای فساد و فحشا و ارتکاب جرایم اخلاقی است (اردلان، ۱۳۸۳ به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹) لذا فرار به مفهوم لکه ننگ و بدنامی برای خانواده محسوب می شود و به همین دلیل است که فرار دختران، کم تر توسط خانواده ها گزارش می شود و اغلب پس از بی نتیجه ماندن جستجوها و تلاش های خانوادگی، فرار دختران به مراجع قضایی گزارش می شود. فرار دختران زندگی آینده آنان را به تباهی و سیاهی می کشاند و احتمال تشکیل خانواده برای دختر فراری به دلیل تهدید سلامت روانی، جسمی و جنسی (به علت رفتار خلاف اخلاق خواسته یا ناخواسته) و خدشه دار شدن اصالت و شرافت خانواده به حداقل ممکن کاهش می یابد (محبی، ۱۳۸۱ به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹)

پیامدهای اجتماعی فرار دختران از خانه را م ی توان در چندین مقوله مورد بحث قرار داد: ۱- تهدید بهداشت اخلاقی و روانی جامعه ۲- تحمیل هزینه های اجتماعی ۳- افزایش نرخ آسیب های اجتماعی ۴- قاچاق زنان و دختران در مجموع پیامدهای فرار دختران در سه محور اصلی فردی، خانوادگی و اجتماعی مطرح گردید.

نتیجه گیری:

فرار از خانه به عنوان یک پدیده در هر کشوری اعم از توسعه نیافته یا در حال توسعه رخ میدهد که بروز آن در میان کودکان و نوجوانان به ویژه دختران به دلیل خصوصیات این قشر از حساسیت مضاعفی برخوردار است. به جهت پیامدهای حاصل از فرار، این پدیده در مقوله آسیب های اجتماعی قرار داده میشود که خود زمینه ساز بسیاری از آسیب های دیگر از جمله اعتیاد، فحشا، تکدی و ... هم می گردد. (جعفری و همکار، ۱۳۹۳)

یافته های پژوهش جعفری و همکار (۱۳۹۳) نشان داد که در سه مؤلفه از سبک کنترل هیجانی و نیز در تمام مؤلفه های سبک ابرازگری هیجانی دختران عادی به طور معناداری میانگین نمرات بالاتری را نسبت به گروه دختران فراری از خانه به دست آوردند. دختران فراری در تمام مؤلفه های دوسوگرایی در ابراز هیجان از دختران عادی همتایشان بهطور معناداری بالاتر بودند.

زنان بیشتر از مردان هیجانهایشان را بروز می دهند و نسبت به مردان ابرازگری مثبت، ابرازگری منفی و شدت هیجانی بیشتری را گزارش می کنند. زنان به دلیل هنجارهای فرهنگی نیاز دارند که هیجان را به دیگران ابراز کنند. بعضی هیجانهای مثبت مانند لذت، عشق، عاطفه، گرمی و احساس تندرستی بیشتر به وسیله زنان گزارش می شود. تفاوت های جنسیتی در هیجانهای مثبت بیشتر در موقعیتهایی مانند روابط میان فردی دوستانه و فاقد تنش آشکار میشود. البته در شرایط تنش برخی هیجانهای منفی مانند آشفتگی، غم، تنفار، احساس آسیب پذیری، ترس، احساسات کمرویی و ملامت نیز بیشتر به وسیله زنان گزارش می شود. در این شرایط هر چه هیجان منفی تجربه شده شدیدتر باشد وقوع رفتار ناپخته بیشتر است (برودی و هال، ۲۰۰۰؛ فیشر و همکاران، ۲۰۰۴ به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳) بنابراین هیجانها در رفتار ظاهر می شوند و هر لحظه تعامل های اجتماعی و روابط میان فردی با اعضای خانواده و دیگران را تحت تأثیر قرار میدهند. توانایی موفق در نحوه ابراز مناسب آنها از مؤلفه های کنش سازگاران افراد به حساب می آید (گروس و جان، ۱۹۹۷، به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳) در ایران، برنامه های راهبردی جهت پیشگیری و درمان فرار از خانه در سه عنوان کلی راهبردهای فردی، راهبردهای خانواده و راهبردهای اجتماع در نظر گرفته می شوند؛ که هر عنوان شامل دو سطح، سطح پیشگیری و سطح مداخله می باشد (زاهدی اصل و همکاران، ۱۳۸۷، به نقل از جعفری و همکار، ۱۳۹۳)

مفهوم کلیدی تئوری کنترل اجتماعی این است که نوجوانانی که به طرق مختلف به کنترل اجتماعی رسمی پیوند خورده اند، منحرف نخواهند شد. به همین ترتیب دین به عنوان یک شکل از کنترل اجتماعی، به حمایت از ارزشهای اجتماعی می پردازد و به عنوان کنترل کننده رفتارهای انحرافی عمل می کند (کیم، ۲۰۰۳ به نقل از علیوردی نیا و همکار، ۱۳۹۴) مشکلات بسیاری افراد را در سنین جوانی و نوجوانانی تهدید می کند، اعم از مشکل روحی در اثر از دست دادن عزیزان، دوستان یا شرایط نامناسب زندگی، مشکل فیزیکی و نیز مشکلات مالی و سایر سختیهای زندگی. از آنجایی که بیشتر فرارها در اثر مواجهه با موقعیتهای ناراحت کننده و شکست زا اتفاق می افتد، اعتقادات و باورهای دینی می تواند بسیار تعیین کننده باشد. مطالعات متعدد نشان می دهد که عنصر باور دینی، تأثیر انواع عوامل خطر در بزهکاری را کاهش می دهد. همانند دیگر عناصر پیوند اجتماعی، رفتارها و گرایشهای دینی می توانند از انحراف جلوگیری کنند. باور دینی به اعتبار افزایش سختگیری در قوانین به وسیله دین موجب کاهش رفتارهای انحرافی می شود، چون بسیاری از ادیان محکومیتهای شدیدی در مقابل رفتارهای انحرافی نسبت به جوامع غیر دینی دارند (دسموند و همکاران، ۲۰۱۱ به نقل از علیوردی نیا و همکار، ۱۳۹۴) در مطالعه ای که دفونزو (۱۹۹۳)، در رابطه با تأثیر پیوندهای اجتماعی بر مصرف الکل انجام داده است، نتایج حاکی از آن بوده است که باورهای دینی و اعتقاد به همنوایی، تنها متغیر مستقلی است که در کاهش میزان بزهکاری تأثیر معناداری داشته است و بنا به نظر باینبریدج (۱۹۸۹) باورهای دینی سهم عمده ای در انطباق دارند و کسانی که باورهای دینی بالایی دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که در مواجهه با فرصتهای نامشروع، پاسخ منفی دهند. مطالعات بسیاری نشان داده اند که باور دینی به شدت نرخ بزهکاری را کاهش داده اند و در مجموع از یک رابطه مستقیم بین اعتقادات و باور دینی و بزهکاری نوجوانان حمایت کردند (باک و همکاران، ۱۹۸۷؛ کوچران، ۱۹۸۸ و هادوای و همکاران، ۱۹۸۴ به نقل از علیوردی نیا و همکار، ۱۳۹۴)

یعنی هر چه قدر که اعتقاد به ارزشهای اخلاقی و هنجارهای جامعه ضعیف تر باشد، احتمال بروز کژرفتاری در فرد بیشتر می شود. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی نیز برای هم نوایی با قوانین رسمی و غیررسمی برای خود تصور نمی کند. به نظر هیرشی، اگر فردی جدا این باور را داشته باشد که درگیر شدن در گونه هایی خاص از رفتارها کار درستی نیست، مشارکت در آن رفتارها برای او دور از تصور خواهد بود. در مقابل کسانی که اعتقاد و وفاداری ضعیفی نسبت به هنجارهای اخلاقی اجتماعی دارند، ممکن است تمایل بیشتری به نادیده گرفتن آنها داشته و بیشتر به کژروی مبادرت ورزند. (علیوردی نیا و همکار، ۱۳۹۴)

در تحقیقی هم که علیوردی نیا و همکاران (۱۳۸۹) درمورد گرایش به فرار در تهران انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که باور، بیشترین تأثیر را بر گرایش به فرار از منزل داشته است و بیان کردند که باور افراد با گرایش به فرار در آنها مرتبط است. هنگامی که افراد دارای باور یا اعتقاد بالایی باشند، تمایل و گرایش آنها برای اعمال منحرفانه پایین تر است، در این حالت اعتقادات افراد مانع از انجام دادن برخی از اعمال منحرفانه و عاملی برای پیروی و احترام به قوانین و هنجارهاست. (علیوردی نیا و همکار، ۱۳۹۴) اگر باورهای دینی به نحو احسن در افراد درونی شده باشد، تحمل سختیها و مشکلات را برای فرد نوجوان آسان کرده و وی کمتر به راه حل های آسیب زایی چون فرار از منزل فکر می کند. همچنین این اعتقادات دینی از طریق واسطه هایی چون مشارکتهای دینی تقویت می شوند که موجب تحکیم پیوندهای اجتماعی در افراد و درک و ضرورت رعایت هنجارها و قوانین اجتماعی می شود که این می تواند انگیزه انجام کارهای انحرافی را در افراد کاهش دهد. (علیوردی نیا و همکار، ۱۳۹۴)

نوجوانانی که امنیت بالایی را در دلبستگی با مادرشان گزارش می کنند، احساس خودکارآمدی بیشتر و عزت نفس بالاتری دارند و روابط سازنده تری با محیط برقرار می کنند. این امر تأثیر مثبتی روی رشد روانشناختی و ابراز هیجان و در کل اثر محافظت کننده در مقابل عوامل خطر ساز محیطی دارد. یافته ها پژوهشی نیز نشان می دهد نوجوانان دلبسته ایمن، خشم کمتر، اجتناب کمتر نسبت به حل مساله و درگیری سازنده تری در تعامل با مادر نشان می دهند. (آرمسدن و همکاران، ۱۹۸۷؛ پیرس و همکاران، ۲۰۰۹؛ لایبل و همکاران، ۲۰۰۴ به نقل از چاکری و همکاران، ۱۳۹۳) کیفیت دلبستگی پدر و کودک، پیش بینی کننده قوی برای رشد شناختی-هیجانی نوجوان است. (لی و همکاران، ۲۰۰۷ به نقل از چاکری و همکاران، ۱۳۹۳)

دلبستگی ایمن با والدین در نوجوانان پیش بینی کننده عزت نفس بالاتر، رضایت از زندگی بالاتر، سازگاری بهتری با همکلاسی ها، پریشانی روانشناختی کمتر و کسب حمایت اجتماعی بیشتر است. (لایبل و همکاران، ۲۰۰۴ به نقل از چاکری و همکاران، ۱۳۹۳) از طرف دیگر داشتن دلبستگی ناسالم با دوستان و همسالان و حمایت شدن توسط دوستان بزهکار، افسردگی و رفتارهای پرخطر را در نوجوانان افزایش می دهد. (ویتبک و همکار، ۲۰۰۰ به نقل از چاکری و همکاران، ۱۳۹۳)

بیگانگی با والدین و همسالان با درون فکنی مشکلات ارتباط دارد. در حقیقت، یک رابطه مثبت با والدین بر اساس یک نظارت مناسب و یک نظم منسجم (مثل تقویت رفتار مثبت، دریافت حمایت مناسب و رابطه خوب با همسالان)، مشکلات رفتاری را محدود می کند. (تامبلی و همکاران، ۲۰۱۲ به نقل از چاکری و همکاران، ۱۳۹۳)

بنابراین به نظر می رسد که موفقیت دختران نوجوان در حل چالش های بی شمار دوره ی نوجوانی به میزان خودکارآمدی آنان ارتباط دارد. نوجوانی که خودکارآمدی ضعیفی دارد، منفعلانه تحت تأثیر این فشارها قرار می گیرد (بازیاری، ۱۳۸۱ به نقل از آقا محمدی و همکاران، ۱۳۹۰) نوجوانانی که در روابط اجتماعی، کارآمدی خود را مثبت یا بالا ارزیابی می کنند، کمتر احساس ناتوانی می کنند، با پیامدهای دردناک اعم از جسمی و روانی، سازگاری بهتری دارند و در تعاملات اجتماعی با خانواده و سایرین مشکلات کمتری دارند. (کیم، ۲۰۰۳ به نقل از آقا محمدی و همکاران، ۱۳۹۰)

در واقع اکثریت قریب به اتفاق موارد فرار دختران از منزل، در حالی اتفاق می افتد که دختر آگاهی کافی از پیامدهایی که در انتظارش است، ندارد. آوارگی، بی خانمانی و سرگردانی پس از فرار، دختران را با سرخوردگی و شوک مواجه می کند، به گونه

ای که تمام آرزوهای از پیش ساخته خود را جز سرابی پیش رو نمی بیند. (عبداللهی، ۱۳۸۱ به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹)

نتایج مطالعه حاضر حاکی از این است که فرار از منزل، اغلب با آسیب های اجتماعی توأم است که در مجموع با افزایش هوش هیجانی، باورهای مذهبی و شکل دهی دلبستگی ایمن در کودکان می توان قدم بزرگی در پیشگیری از این معضل اجتماعی برداشته و مانع از وقوع مشکلات بعدی شد.

منابع

۱. آقا محمدی، سمیه، کجباف، محمدباقر، نشاط دوست، حمیدطاهر، عابدی، احمد، کاظمی، زینب، صادقی، سعید (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش خودکارآمدی بر روابط اجتماعی دختران فراری. مجله روان شناسی بالینی سال ۳، شماره (۲)، تابستان.
۲. حسنی، جعفر، شاهقلیان، مهناز (۱۳۹۳). ابرازگری هیجانی، کنترل هیجانی و دوسوگرایی در ابراز هیجان در دختران فراری و بهنجار. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی سال ۵، شماره (۱۷)، بهار.
۳. چاکری، موسی، اصغرنژاد فرید، عای اصغر، فتحعلی لواسانی، فهیمه (۱۳۹۳). ابعاد دلبستگی، تنظیم هیجانی و شیوه های مقابله در دختران فراری. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران سال ۲۰، شماره (۳)، پاییز، ۲۳۳-۲۱۴
۴. علیوردی نیا، اکبر، عیسی پور، فاطمه (۱۳۹۴). نقش بازدارندگی باور دینی در گرایش دختران دانش آموز به فرار از منزل. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی سال ۱۶، شماره (۶۰)، زمستان.
۵. مسعود نیا، ابراهیم، فلاح، مرضیه (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی - خانوادگی موثر بر فرار دختران از منزل در شهر یزد. فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه سال ۵، شماره (۱)، بهار.
۶. هاشمی، سید ضیاء، فاطمی امین، زینب، فولادیان، مجید (۱۳۸۹). پیامدهای فرار دختران از منزل. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی سال ۱۱، شماره (۴۰)، پاییز.

An Overview on the Causes and Consequences of Run Away from Home in Girls

Maesumeh Shakibaei¹, Fatemeh Hedayati², Maryam Adli³, Froud Gholami⁴

1. M.A Student of Clinical Psychology, Azad University. Lahijan Branch

2. M.A in Counselling Student, Hormozgan University.

3. M.A in Counselling Student, Hormozgan University.

4. Ph.D. Student of Counselling, Hormozgan University.

Abstract

The main objective of this research is collecting and reviewing the researches on the causes and consequences of running away from home in girls, which sporadically in recent years have been carried out in the country. The research method was desk study. For this purpose, a number of psychological and sociological research and related issue was collected and analyzed. Result of reviews showed this requires further study. The findings of researches highlights the importance of damages which caused by run away from home. According to the status of children in shaping the country's future as human resources, sufficient attention has not been to this phenomenon, and families by false parenting style provide grounds to run away from home.

Keywords: causes of running away from home, the consequences of running away from home, runaways girls.
